

## رد خون قاتلان پدر و کودک را گرفتار کرد

رد خون به جای مانده در محل کشف اجساد سوخته پیدرو و پسر وی هشت ساله عاملان جنایت را گرفتار کرد.

محمود اسپانلو دادستان گرگان توضیح داد: یک‌ماه قبل بود که مأموران پلیس گرگان از کشف دو جسد سوخته در جاده روستایی با خبر و در محل حاضر شدند. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی تحقیقات برای شناسایی هویت آنها به جریان افتاد. در شاخه دیگری از بررسی‌ها مأموران پلیس با حضور در محل و بررسی صحنه جرم متوجه لکمه‌های خون روی زمین شده و با دنبال کردن آن تحقیقات خود را در این باره ادامه دادند و موفق شدند ملظنونان حادثه را بازداشت کنند. آنها پس از یک ماه قفل سکوت را شکسته و به قتل مرد جوان و پسر پجعه هشت ساله‌اش اعتراف کردند. آنها گفتند که به خاطر اختلاف مالی دست به قتل زده و سپس اجساد را با خودرو به جاده روستایی منتقل کرده و آن را آتش زده‌اند. دادستان گرگان گفت که تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.



## رفتن پای طناب دار به خاطر پول قبض برق

مرد میانسال‌کی که به‌خاطر پرداخت نکردن پول قبض برق مرد همسایه‌ها را باشلیک گلوله به‌قتل رسانده‌بود، با حکم قضایی به قصاص محکوم شد.

به گزارش جوان، رسیدگی به پرونده از یکسال و نیم قبل با گزارش از گیری بین دو مرد همسایه در پیشوا و رامین آغاز شد. وقتی مأموران پلیس در محل حادثه حاضر شدند با جسد مرد جوانی به نام شهروز روهو رو شدند که با شلیک گلوله کشته شده‌بود. جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی فرستاده شد و عامل قتل که همسایه مقتول به نام سیلواش بود با قرار از محل حادثه تحت تعقیب قرار گرفت.

تلاش برای دستگیری متهم ادامه داشت تا اینکه وی چند ساعت بعد از حادثه شناسایی و بازداشت شد.

متهم به پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او به قتل اعتراف کرد و گفت: «شهروز همسایه‌مان بود. برق منزل مسکونی او باملکی که من و برادرم داشتیم مشترک بود، اما وی هرگز قبض پولی که می‌آمد را پرداخت نمی‌کرد و هر بار قبض برق می‌آمد آنرا پرداخت می‌کردیم. در این باره چند بار به او تذکر دادیم و صحبت کردیم، اما بی فایده‌بود. این شد که آخر برای اینکه او را بترسانم که شاید راضی شود و پول قبض را این بار بپردازد، با اسلحه مقابل خانه‌اش رفتم و یک تیر به او شلیک کردم. آن شلیک بی‌هدف بود، اما به سر او برخورد کرد و باعث مرگش شد.»

مرد میانسال بعد از بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد و پرونده برای محاکمه متهم به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. پرونده با تعیین شعبه در وقت رسیدگی مقابل هیئت قضایی شعبه یازدهم دادگاه قرار گرفت. ابتدایی جلسه اولیای دم در خواست قصاص را مطرح کردند. در ادامه متهم در جایگاه استناد و با اقرار به جرمش در شرح ماجرا گفت: «من و برادرم صاحب ملکی در پیشوا و رامین بودیم. شهروز سال‌ها در همسایگی ما زندگی می‌کرد و او را می‌شناختم. مدت‌ها قبل او از برق ملک ما استفاده می‌کرد، اما هر بار قبض برق می‌آمد او پولی پرداخت نمی‌کرد. همین باعث اختلاف ما بود تا اینکه آخرین بار قبض برق با مبلغ خیلی زیاد آمد. این شد که قبض را برداشتم و مقابل خانه شهروز رفتم. آن‌را نشان دادم و خواستم او هم سهم خودش را بپردازد. شهروز قبول نکرد و گفت او سهم کمی استفاده می‌کند به همین دلیل نیازی نیست پولی بپردازد. سر همین موضوع با هم درگیری لفظی پیدا کردیم بعد از آن به خانه برگشتم.»

متهم ادامه داد: «در این باره با برادرم صحبت کردم و قرار شد کابل‌های برق را قطع کنیم تا او دیگر از برق مشترک استفاده نکند. این موضوع را به خود شهروز هم گفتیم، اما او بعد از شنیدن این حرف ناراحت شد و کار به درگیری کشید. این گذشت تا اینکه یک هفته قبل از حادثه مرد میانسالی در حالی که کلاهی سیاه روی صورتش کشیده بود، مقابل ملک ما آمد و با اسلحه به طرف من و برادرم شلیک کرد. در آن تیراندازی گلوله‌ای به ما برخورد نکرد و به طور معجزه آسا زنده ماندیم. مطمئن بودم آن مرد که صورتش را پوشانده‌بود خود شهروز بود که می‌خواست انتقام بگیرد و من و برادرم را بکشد.»

متهم در خصوص قتل گفت: «رفتار شهروز خیلی ما را عصبانی کرده بود و باعث کینه شد. به همین دلیل یک هفته بعد از حادثه تیراندازی اسلحه ساچمه‌ای را که در خانه داشتیم برداشتم و برای ترساندن شهروز مقابل خانه‌اش رفتم. شهروز وقتی مقابل در آمد فقط یک تیر به طرف او شلیک کرد اما گلوله ناخواسته به سر او برخورد کرد و موجب مرگش شد.»

متهم در آخر گفت: «باور کنید قصد کشتن مرد همسایه را نداشتم و می‌خواستم او را بترسانم تا مشکل‌مان حل شود. شمیم‌مان و قبول دارم رفتار اشتباهی کردم. از دادگاه و اولیای دم درخواست گذشت دارم.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد سپس با توجه به مدارک موجود در پرونده متهم را به قصاص محکوم کرد.

به این ترتیب متهم بعد از تأیید این حکم در دیوانعالی کشور در صورتی که نتواند رضایت اولیای دم را جلب کند در آستانه مرگ قرار خواهد گرفت.

#### غلام‌شامسکینی

خادمان حرم حضرت امام و رضا(ع) آخرین کسانی بودند که به جلسه سازش پرونده آرمان دعوت شدند، اما حضور آنها و گریه‌های بی‌امان آرمان و خانواده‌اش نتوانست رضایت خانواده غزاله را با خود همراه کند، بنابراین یکی دیگر از پرونده‌های جنجالی فرجامی جز قصاص پیدا نکرد.

به گزارش «جوان»، سحرگاه چهارشنبه سوم آذر قرار بود آرمان قاتل غزاله که چندروزی است در قرنطینه به سر می‌برد بار دیگر پای چوبه دار برود. در یک ماه‌آخر آرمان چندین بار برای اجرای حکم به اتاق قرنطینه زندان رجایی‌شهر منتقل شده بود اما به دلایلی که عنوان نشد به سلولش بازگردانده شد. این بار اما قرار بود تصمیم قطعی گرفته شود، برای همین مادر و پدر غزاله شکوری و تعدادی از بستگانش از نیمه‌شب جلوی زندان منتظر باز شدن درها بودند و از طرفی هم پدر و مادر آرمان هم برای آخرین دیدار با آخرین امید به زندگی پسرشان به زندان رجایی‌شهر آمده‌بودند. علاوه بر حضور این دو خانواده، چند نفر از فعالان حقوق بشر هم حاضر شده بودند تا با خانواده غزاله برای بخشش صحبت کنند.

#### آخرین تلاش

ساعت ۴ بامداد است که قاضی محمد شهریاری سرپرست دادسرای امور جنایی تهران به عنوان نماینده دادستان همراه تیمی از دادسرا وارد زندان می‌شود و او هم‌امید دارد که بتواند با برگزاری آخرین جلسه صلح و سازش آرمان را به زندگی برگرداند. علاوه بر تیم صلح و سازش، رئیس زندان، چند خادم امام‌رضاع( هم با پرچم متبرک به حرم امام رثوف به زندان رجایی‌شهر آمده‌اند تا تیم صلح و سازش را برای جلب رضایت همراهی کنند.

دقایقی از ساعت ۴ بامداد گذشته است و هوا تاریک و سرد است که خانواده غزاله و پس از آن خانواده آرمان در حالی که مادر آرمان فرانی در دست دارد به طرف سالن جلسات زندان راهنمایی می‌شوند. اولیای دم که سه همراه دارند روی صندلی‌های سمت راست سالن و پدر و مادر آرمان در نقطه مقابل آنها روی صندلی می‌نشینند. از سوی دیگر آرمان هم که لباس زمستانی تیره پوشیده به مأمور بدرقه وارد سالن می‌شود و در کنار پدر و مادرش روی صندلی می‌نشیند. هوای سالن سنگینی خاصی دارد به طوری که انگار نفس کشیدن در آن دشوار است، اما قاضی محمدشهریار کی سابقه طولانی در رضایت‌گیری در پرونده‌های مختلف دارد با نام خدا جلسه را آغاز می‌کند.

وی ابتدا از خانواده غزاله می‌خواهد برای رضای خدا آرمان را ببخشند و می‌گوید که بر اساس گفته‌های رئیس زندان که در جلسه حضور دارد و پرونده آرمان در مدتی که در زندان حبس بوده هیچ خطایی مرتکب نشده و همیشه هم از خطای بزرگی که مرتکب شده اظهار پشیمانی کرده‌است.

قاضی شهریار هم‌چنین از طرف خانواده متهم اعلام کرد که آنها حاضر هستند برای آرامش روح غزاله مؤسسه خیریه آموزشی تأسیس کنند، وی در ادامه از شیرینی گذشت و تلخی انتقام صحبت کرد و به پرونده‌های تلخی اشاره کرده و با میانجیگری تیم صلح و سازش و ریش سفیدان به رضایت ختم شد و گفت آن خانواده‌ها که ابتدا اصرار زیادی برای قصاص داشتند الان از اینکه جانی به یک متهم داده‌اند خیلی

راضی هستند و احساس آرامش می‌کنند.

#### معاملی جسد

تلاش‌های یک ساعته سرپرست دادسرای جنایی نتیجه‌ای نداشت و خانواده غزاله همچنان اصرار داشتند که اگر آرمان اطلاعاتی از جسد دخترشان به آنها می‌دادند او را می‌بخشیدند. در این لحظه قاضی است که خانواده غزاله به شما داده‌اند واقعا اگر از محل دفن جسد اطلاعی دارید به آنها بگو. با طرح این سوال چشم آنها همه به آرمان خیره شد، اما آرمان دوباره همان گفته‌های قبلی‌اش را تکرار کرد و گفت: من جسد را در سطل زباله انداختم و اگر می‌دانم که جسد کلید زندگی من است و اگر اطلاعی داشتم حتما به آنها می‌گفتم.

پس از این پدر و مادر آرمان با گریه و التماس از پدر و مادر غزاله خواستند پسرشان را ببخشند، اما اصرار‌های آنها هم فایده‌ای نداشت. حالا نوبت به آرمان شد که آخرین گفته‌های خود را قبل از مرگ به خانواده غزاله بگوید. او با اظهار پشیمانی از حادثه مرگباری که او رقم زده‌بود از اولیای دم در خواست بخشش کرد و

### قاتل علی چراغی هم قصاص شد

روز گذشته همزمان با قصاص آرمان، مأمور سد معبر شهرداری که هفت‌سال قبل راننده وانت دوره گردی به نام علی چراغی را در درگیری به قتل رسانده‌بود در زندان رجایی‌شهر کرج قصاص شد.

اواخر مرداد سال ۹۲ باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک مرد ۴۱ساله‌ای به نام علی چراغی در یکی از بیمارستان‌ها با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. بررسی‌های تیم جنایی نشان داد مقتول که راننده وانت دوره گردی بوده ۱۶ مرداد سوار بر وانت همراه پسر خردسالش برای خرید ضایعات به میدان ۱۹۶ غربی تهران‌راس می‌رود که در درگیری با چهار مأمور سد معبر شهرداری از ناحیه سر به‌شدت زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود. مأموران پلیس در ادامه متهمان را دستگیر کردند که در بازجویی‌ها یکی از آنها به درگیری با مقتول اعتراف کرد. متهم پس از تکمیل پرونده‌اش در دادگاه به قصاص محکوم شد. پس از تأیید حکم قصاص هیئت صلح و سازش تلاش زیادی برای جلب رضایت از اولیای دم انجام دادند، اما اسر اتیان صبح دیروز قاتل در زندان رجایی‌شهر قصاص شد.

### ۶شور و عدل آباد گرفتار پلیس شدند

رئیس پلیس امنیت پایتخت از دستگیری شش نفر از اویش محله عبدال آباد خیبر داد. به گزارش جوان، سرهنگ پیام کوابانی توضیح داد: اوایل آبان ماه به مأموران پلیس خبر رسید که شش نفر از اویش سابقه‌دار در محله عبدال آباد مشغول عریه‌دوشی و قدرت‌نمایی با سلاح سرد هستند. وی ادامه داد: همزمان با حضور پلیس مشخص شد که متهمان از محل متواری شده‌اند که تحقیقات برای بازداشت آنها به جریان افتاد. سرهنگ کوابانی ادامه داد: در بررسی‌های بعدی مشخص شد که متهمان در جریان یک اختلاف قدیمی با یکی از اهالی محل دست به عریه‌دوشی زده بودند که مخفیگاه آنها حوالی بزرگراه جلال‌آل احمد شناسایی شد و دو روز قبل هر شش متهم بازداشت شدند. رئیس پلیس امنیت پایبان اینکه هر شش متهم دارای سوابق متعددی از جمله درگیری و عریه‌دوشی هستند گفت: متهمان با تشکیل پرونده راهی دادسرا شدند.

## حجوات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۷۶

# پایان تراژدی «آرمان – غزاله»



احساس می‌کنیم که سبک شدیم. پس از اجرای حکم واقعا انگار یک کوله‌باری از دشمنان برداشته شد.

با توجه به اینکه حکم آرمان چندباری به تعویق افتاده بود، فکر می‌کردید که حکم اجرا شود؟

بله، ما می‌دانستیم که حکم اجرایی شود چون حق قانونی ما بود. در آخرین جلسه‌ای که هم‌چندروز قبل با دادستان داشتیم متوجه شدیم که حکم به زودی اجرا می‌شود. هر چند که همه تلاش زیادی داشتند ما رضایت بهیم و همین موضوع باعث شده‌بود اجرای حکم چندباری به عقب بیفتد اما در نهایت می‌دانستیم که براساس قانون ما به حق‌مان می‌رسیم.

آقای شکوری چه زمانی به شما اعلام کردند که قرار است حکم آرمان اجرا شود؟

فکر می‌کنم از روز شنبه یا یک‌شنبه که آرمان را به قرنطینه بردند به ما هم خبر دادند که این هفته حکم اجرا می‌شود، اما نیمه‌های شب سه‌شنبه بود که به صورت قطعی فهمیدیم که حکم اجرا می‌شود.

اصلا به رضایت فکر نکرده‌بودید؟

نه، در این مدت جلسات زیادی برای جلب رضایت برگزار شد و حتی قبل از اجرای حکم هم قاضی شهریار ی تلاش زیادی کرد ما آرمان را ببخشیم، اما من نمانیده دخترم بود و دخترم از من خواسته‌بود که حکم را اجرا کنم.

یعنی فکر می‌کنی غزاله هم خواهان اجرای حکم بود؟

بله، حتما او هم خواهان قصاص بود.

غزاله به خواب شما آمده بود و خواسته بود قصاص کنید؟

نه، اصلا موضوع خواب نبود و غزاله هم به خواب من نیامده بود. این حق من و همسر م بود و ما هم تصمیم گرفته بودیم حتماً را بگیریم.

آخرین تقاضای آرمان پسای چوبه‌دار چه بود؟

او هم مثل همه زندانی‌های دیگر در خواست بخشش داشت. گفت ببخشید و این تقاضا را همه زندانی‌ها در آخرین لحظه می‌کنند، اما آنها زمانی که مرتکب جرم می‌شوند خبر ندارند که روزی همین موضوع سر خودشان می‌آید.

پس از اجرای حکم اطرافیان چه واکنشی داشتند؟

هر کسی که تلفنی یا حضوری با من در تماس بود احساس همدردی کرد و گفت که حق با شما بوده و به حقان رسیدید.

با گام‌های سرد و بی‌روحش به سوی ابدیت می‌رفت که دوباره به پای پدر و مادر غزاله افتاد و از آنها خواست او را ببخشند. او با اولیای دم تنها

مانده‌بود و دیگر از پدر و مادرش خبری نبود که وارد اتاق اجرای حکم شد. همه بیرون از اتاق بودند به غیر اعضای اجرای حکم و پدر غزاله و نماینده او که از بستگان نزدیکش بود.

#### دوست دارم برادرم را ببینم

آرمان با پای لرزان روی جایگاه رفت و در کنار قاتل دیگری (مأمور سد معبر شهرداری که ما‌آخر مرداد سال ۹۲ مردی به نام علی چراغی را هنگام خرید ضایعات در شرق تهران به قتل رسانده بود) ایستاد و طناب دار به گر دنش آویخته شد. لحظه‌ها به سختی می‌گذشت و سنگینی هواد آن اتاق احساس می‌شد و سینه‌ها تنگ شده‌بود. آرمان که می‌دانست در پایان راه قرار دارد و دیگر از بازگشت به سلولش خبری نیست برای آخرین بار از پدر غزاله خواست که به او فرصت یک‌هفته‌ای دیگر بدهد. او گفت که دلش برای برادرش از تین تنگ شده‌است و دوست دارد او را ببیند و بعدقصاص شود.

#### پایان عشق آرمان و غزاله

آخرین گفته‌های او هم فایده‌ای نداشت چون پدر غزاله تصمیم خود را گرفته‌بود و گفت دو سال قبل به شما یک‌ماه فرصت دادم که قرار بود یک‌ماه یک‌روز هم نشود، اما این فرصت یک‌ماهه دوسال طول کشید و الان دیگر فرصتی نمی‌دهم. ثانیه‌ها به تندی می‌گذشت و دقیقه ثانیه‌هاو حرکت می‌کرد.

همه پشت درهای بسته منتظر بودند که معجزه‌ای رخ دهد، اما ناگهان اهرم چوبه‌دار کشیده شد و آرمان میان آسمان و زمین قرار گرفت و اینگونه پرونده جنجالی و عشقی آرمان و غزاله به پایان رسید.

گفت‌وگوی تلفنی خبرنگار ما با پدر غزاله پس از اجرای حکم

کوله‌باری از دشمنان برداشته شد

آقای شکوری شما حکم قصاص آرمان را اجرا کردید الان چه احساسی دارید؟

من و همسر م پس از اجرای حکم احساس سبکی داریم و واقعا رفت و آمد و بلا تکلیفی که گرفتار آن شده‌بودیم راحت شدیم. ما هر روز در راه دادسرا و دادگاه بودیم به طوری که خسته شده‌بودیم. مادر این چند سال خیلی زجر کشیدیم و اذیت شدیم و الان که به حق‌مان رسیدیم

### مرگ کارگر مترو در تصادف قطار

یکی از کارگران متروی تهران در تصادف با قطار جانش را از دست داد. مجید رستمی، قائم مقام عملیات شرکت بهره‌برداری مترو تهران توضیح داد: ساعت ۶:۳۷ روز سه‌شنبه مشکلی در یکی از تجهیزات ریلی ایستگاه ارد سبز در خط چهار ایجاد شد که مربوط به تعویض خط قطار ها می‌شد برای همین تیم نگهداری و تعمیرات راهی تونل مورد نظر شدند. وی ادامه داد: هنگامی که تیم تعمیرات در حال کار بود یکی از کارگران از گروه تعمیرات جدا شد و در مسیر تردد قطار خروجی ایستگاه قرار گرفت و جانش را از دست داد.

### نشت گاز خانه را منفجر کرد

به گزارش جوان، ساعت ۲۱:۴۵ شامگاه سه‌شنبه آتش نشانان دو ایستگاه از حادثه آتش‌سوزی در ساختمان مسکونی در خیابان سازمان برنامه جنوبی در بلوار فردوس غرب با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که آتش‌سوزی در یکی از واحدهای مسکونی طبقه سوم مجتمع پنج طبقه ۴۰ واحدی اتفاق افتاده است.

بررسی‌های بیشتر نشان داد که حادثه به دلیل نشت گاز و به دنبال آن انفجار مهیب اتفاق افتاده‌است. آتش‌نشانان همزمان با ایمین کردن محل متوجه شدند که چند نفر از ساکنان میان دود و آتش گرفتار شده‌اند. ابراهیم نادرپور افسر منطقه یک آتش‌نشانی گفت: آتش‌نشانان همزمان با نجات افراد گرفتار شده که دوزن، یک مرد و یک نوزاد بودند موفق شدند آتش را مهار کنند.



## امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان ۸۸۴۹۸۴۷۶

برگ سبز و سند کمیانی و تسلسل اسناد خودرو سواری سمنده به رنگ سفید به شماره انتظامی ۱۵ ایران ۹۷۱ط۶۳ و به شماره موتور ۰۲۱۴۱۰۳۹۸۷۰۱ و به شماره شاسی NAACB۱FF۲۹F۳۰۳۰۶۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

#### تبریز

برگ سبز و سند کمیانی و کارت ماشین خودرو وانت توپوتا هایلوکس مدل ۱۹۹۲ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۰۳۴۰۸۱۳ و شماره شاسی ۰۰۱۰۵۳ و شماره پلاک ۵۳۳۹ب۱۶۱ ایران ۵۹ بنام حسین عطاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

#### گلستان

## سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۴۹۸۴۵۸

برگ سبز خودروی سواری سمند تیپ:ال ایکس مدل: ۱۳۸۳ رنگ:نقره‌ای – متالیک به شماره موتور: ۱۷۴۰۸۰۱۲۴۸۳ به شماره شاسی: ۸۳۸۴۲۰۹۹ شماره انتظامی ۱۳۵ ایران ۴۵۸ ص ۴۲ معقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمیانی و تسلسل اسناد خودرو پیکان وانت به شماره انتظامی ۱۵ ایران ۱۴۱ ال ۵۳ و به شماره موتور ۰۱۴۲۰۰۰۱۱۴۹۰۰ و به شماره انتظامی NAAA۴۶AAoRC۱۸۳۱۰۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

#### تبریز



به جوان دوباره نگاه کن Javanonline.ir

#### اصلاحیه آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نوشهر

با شناسه ۱۲۲۰۳۶۹ منشره در تاریخ ۱۳۷۰/۰۸/۲۲ روزنامه جوان ، بدین شرح اصلاح می گردد:
پرو آگهی قنون تعیین تکلیف وضعت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تیسره ذیل ماده ۱۲ قانون و ماده ۱۴ آیین نامه قانون اخیرالذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاریخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد:
املاک متعلقهافغان واقع درقر به علی آبادمیر پلاک ۲۳ اصلی بخش ۲ قشلاقی ۲۶۰۵ فرعی ارا خاتم مسعود جعفری پنجی فرزند منصور نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۳،۰۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۰۹ فرعی خریداری بدون واسطه یا واسطه از زهرا حسینی و حسین حسینی مساحت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۷۰/۰۸/۱۴ ، لذا از متقاضیان و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ازنقایی دعوت می گردد در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور به هم رسند، بدینهی است در صورت عدم حضور متقاضی یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد. معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۲۲ و ۸۶ آیین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی به واحد ثبتی میبارت به تقدیم دادخواست به مرجع قضایی نمایند در غیر این صورت با ازاله گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراضی واسله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

صفر رفیعی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر

شناسه آگهی: ۱۲۲۰۳۶۹